



پژوهشکده پولی و بانکی
بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

(۳۱۳)

بانکداری مرکزی زبان پول و مالی: نظریه و عمل

تامارا اک مننجات

مترجمان:
احمد عزیزی
فاطمه نوربخش

تابستان ۱۳۹۷

سرشناسه: مثنجاک، تاماراک / Moenjaj, Thammarak | عنوان و نام پدیدآور: بانکداری مرکزی (ثبات پولی و مالی: نظریه و عمل) / تاماراک مثنجاک: مترجمان احمد عزیزی، فاطمه نوربخش | مشخصات نشر: تهران: پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۹۷ | مشخصات ظاهری: ۵۲۳ ص: مصور، جدول، نمودار | فروست: پژوهشکده پولی و بانکی؛ ۳۱۳ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۷۹۶-۲۹-۰ | ۵۵۰,۰۰۰ ریال | وضعیت فهرست نویسی: فیپا | یادداشت: عنوان اصلی: Central Banking: Theory and Practice in Sustaining Monetary and Financial Stability, 2015 یادداشت: واژه نامه | یادداشت: نمایه | موضوع: بانک و بانکداری مرکزی | موضوع: بانک و بانکداری مرکزی -- قوانین و مقررات موضوع: Banks and Banking, Central -- Law and Legislation | موضوع: Banks and Banking, Central | شناسه افزوده: عزیزی، احمد، ۱۳۳۴ - مترجم | شناسه افزوده: Ahmad Azizi | شناسه افزوده: نوربخش، فاطمه، ۱۳۶۵ - مترجم | شناسه افزوده: پژوهشکده پولی و بانکی | شناسه افزوده: Monetary and Banking Research Academy | رده بندی: ۱۳۹۷ ب ۲ م ۹۱۱ / HG | رده بندی دیویی: ۳۳۲ / ۱۱ | شماره کتاب شناسی ملی: ۵۳۵۰۳۷۷

بانکداری مرکزی، ثبات پولی و مالی: نظریه و عمل

ناشر: پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران | چاپ اول: تابستان ۱۳۹۷ | بها: ۵۵۰,۰۰۰ ریال شمارگان: ۶۰۰ نسخه | قطع: وزیری | شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۷۹۶-۲۹-۰ | نشانی: تهران، میدان آرژانتین، ابتدای بزرگراه افریقا، پلاک ۱۰ | کدپستی: ۱۵۱۴۹۴۷۱۱ | صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۷۹۴۹ | تلفن واحد فروش: ۸۸۶۵۷۴۳۴ | دورنگار: ۸۸۶۵۷۳۹۹ | پست الکترونیک: publications@mbri.ac.ir

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

مسئولیت مطالب بر عهده نویسنده است و لزوماً دیدگاه های پژوهشکده پولی و بانکی را منعکس نمی کند.

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	یک
مقدمه.....	سیزده
درباره نویسنده.....	هفده
بخش اول: مقدمه‌ای بر بانکداری مرکزی.....	۱
فصل ۱: نگاه کوتاه به تاریخچه بانکداری مرکزی.....	۳
۱-۱ پیش از بانکداری مرکزی.....	۴
۲-۱ دسته‌بندی و ذخیره‌ری سکه.....	۴
۳-۱ نشر اسکناس.....	۵
۴-۱ بانکدار دولت.....	۶
۵-۱ بانکدار بانک‌ها.....	۷
۶-۱ محافظت از نظام مالی: وام‌دهنده نهی.....	۸
۷-۱ ناظر بانکی.....	۹
۸-۱ هدایت‌کننده سیاست‌های پولی.....	۱۲
نظام پولی پایه طلا و سیاست پولی انفعالی.....	۱۲
برتون وودز و حرکت به سوی سیاست پولی فعال.....	۱۳
مهارکردن تورم: هدف‌گذاری رشد عرضه پول.....	۱۴
حفظ ثبات پولی: هدف‌گذاری تورم.....	۱۵
پول رایج مشترک: ایجاد یورو.....	۱۶
۹-۱ بانکداری مرکزی در عصر حاضر.....	۱۶
اشتراکات بانکداری مرکزی مدرن.....	۱۷
تنوع در بانکداری مرکزی مدرن.....	۱۸
ارزیابی مجدد شرایط پس از بحران مالی جهانی ۲۰۰۷-۲۰۱۰.....	۲۰
فصل ۲: بررسی اجمالی نظام پولی بین‌المللی.....	۲۷
۱-۲ تکامل نظام پولی بین‌المللی: پیش از پایان جنگ جهانی دوم.....	۲۸
نظام پولی پایه طلا.....	۲۸
نظام پولی مبادله طلا و ارز.....	۲۹
رکود بزرگ و دهه ۱۹۳۰: آشوب در نظام مالی بین‌المللی.....	۲۹
۲-۲ تکامل نظام پولی بین‌المللی: نظام برتون وودز.....	۳۱
نظام برتون وودز.....	۳۱

- ۳۲..... صندوق بین‌المللی پول
- ۳۳..... فشار بر نظام برتون وودز
- ۳۶..... برافتادن نظام برتون وودز
- ۳۷..... ۳-۲ پس از برتون وودز
- ۳۷..... تورم شدید دهه ۱۹۷۰
- ۳۹..... حملات سوداگران به ارزهای اروپایی پیشرفته و بازارهای نوظهور در دهه ۱۹۹۰
- ۴۵..... معرفی یورو
- ۴۶..... بحران مالی جهانی سال‌های ۲۰۰۷-۲۰۱۰
- ۵۳..... ۴-۱ پیشروی به جلو
- ۶۱..... فصل ۳: نقش‌ها، بانک مرکزی مدرن و وظایف آن؛ بانک مرکزی دقیقاً چیست؟
- ۶۲..... ۱-۳ بانک مرکزی مدرن: بررسی اجمالی نقش‌ها و کارکردها
- ۶۴..... خالی بماند: نشر پول
- ۷۲..... تنظیم شرایط پول: هدف سیاست پولی
- ۷۴..... تدارک و نظارت بر نظام پرداخت‌ها
- ۷۷..... وام‌دهنده نهایی
- ۷۹..... ناظر بانکی
- ۸۵..... ۲-۳ نظارت بر بانک‌ها، آری یا خیر
- ۸۶..... ۳-۳ پس از آنچه ذکر شد، بانک مرکزی مدرن دقیقاً چیست؟
- ۹۳..... فصل ۴: بررسی اجمالی مأموریت‌های بانکداری مرکزی مدرن؛ اهدافی که بانک‌های مرکزی مدرن برای دستیابی به آن‌ها تلاش می‌کنند کدام‌اند؟
- ۹۴..... ۱-۴ مروری بر مأموریت‌های بانکداری مرکزی مدرن
- ۹۴..... ماهیت در حال تکامل مأموریت‌ها
- ۹۶..... ماهیت درهم‌تنیده مأموریت‌ها
- ۹۷..... یادداشتی درباره مأموریت اشتغال کامل
- ۹۹..... ۲-۴ ثبات پولی
- ۱۰۰..... ثبات پولی در مقایسه با ثبات قیمت
- ۱۰۱..... چرا ثبات پولی مهم است
- ۱۰۲..... ۳-۴ ثبات مالی
- ۱۰۳..... کمبود نقدینگی
- ۱۰۳..... بدهی بیش‌ازحد عاملان اقتصادی
- ۱۰۵..... چرا ثبات مالی مهم است
- ۱۰۶..... ۴-۴ اشتغال کامل

۱۰۸.....	چرا اشتغال مهم است.....
۱۰۹.....	۴-۵ ایجاد توازن میان سه مأموریت بانک مرکزی.....
۱۰۹.....	ارائه سبک‌شناسانه اقدامات سیاست پولی بانک مرکزی: قاعده تیلور.....
۱۱۰.....	پیگیری مأموریت‌های مختلف.....
۱۲۱.....	بخش دوم: ثبات پولی.....
۱۲۳.....	فصل ۵: مبانی نظری کاربرد سیاست پولی مدرن.....
۱۲۴.....	۵-۱ مروری بر مبانی نظری تحقیق.....
۱۲۵.....	۵-۲ نظریه مقدار پول.....
۱۲۶.....	نظریه مبادله پول و تورم حاد.....
۱۲۷.....	۵-۳ منحنی فیلیپس.....
۱۲۸.....	منحنی فیلیپس و تنظیم دقیق شرایط اقتصادی.....
۱۲۹.....	۵-۴ نرخ طبیعی بیکاری.....
۱۲۹.....	نرخ بیکاری عاری از تورم متاباز.....
۱۳۰.....	نرخ بیکاری عاری از تورم متاباز و سطح فیلیپس عمودی بلندمدت.....
۱۳۳.....	جابه‌جایی در «نرخ بیکاری عاری از تورم متاباز».....
۱۳۶.....	۵-۵ انتظارات عقلایی.....
۱۳۷.....	نقد لوکاس.....
۱۳۸.....	گزاره بی‌اثر سیاستی.....
۱۳۹.....	غیرعقلایی بودن و سایر موارد فنی.....
۱۴۰.....	۵-۶ مشکل ناسازگاری زمانی.....
۱۴۰.....	قواعد سیاست پولی.....
۱۴۱.....	استقلال عملیاتی بانک‌های مرکزی.....
۱۴۲.....	۵-۷ بررسی همه موارد با هم [جمع‌بندی].....
	فصل ۶: نظام‌های سیاست پولی؛ بانک مرکزی از کدام یک از قواعد سیاست‌گذاری پولی برای نیایی به ثبات پولی استفاده می‌کند.....
۱۴۹.....	۶-۱ مروری کلی بر قواعد سیاست پولی یا نظام‌های سیاست پولی.....
۱۵۱.....	۶-۲ هدف‌گذاری نرخ برای ارز.....
۱۵۳.....	الگوی سبک‌شناسانه هدف‌گذاری نرخ برای ارز.....
۱۵۶.....	هدف‌گذاری نرخ برای ارز در دنیای واقعی.....
۱۵۸.....	۶-۳ هدف‌گذاری رشد عرضه پول.....
۱۵۸.....	الگوی سبک‌شناسی هدف‌گذاری رشد عرضه پول.....
۱۵۹.....	هدف‌گذاری رشد عرضه پول در دنیای واقعی.....
۱۶۳.....	۶-۴ رویکرد مدیریت ریسک.....

۱۶۳	الگوی سبک‌شناسی رویکرد مدیریت ریسک: قاعده تیلور
۱۶۴	رویکرد مدیریت ریسک در دنیای واقعی
۱۶۵	۵-۶ هدف‌گذاری تورم
۱۶۶	الگوی سبک‌شناسی هدف‌گذاری تورم
۱۶۹	هدف‌گذاری تورم در دنیای واقعی
۱۷۲	۶-۶ سیاست‌های پولی نامتعارف
۱۷۳	الگوی سبک‌شناسی سیاست تسهیل کمی
۱۷۶	سیاست پولی نامتعارف در ایالات متحده آمریکا
۱۷۹	بالش‌های سیاست‌های پولی نامتعارف
۱۸۹	فصل ۷: اجرای سیاست‌های پولی؛ عملیات بازار مالی
۱۹۱	۷-۱ عملیات بازو مرکزی در بازار مالی: مرور اجمالی
۱۹۳	بازر
۱۹۶	تأثیرگذاران بانک مرکزی در بازار پول
۲۰۶	۷-۲ انتقال نرخ بهره بازار بین به سایر نرخ‌های بهره در اقتصاد
۲۰۶	منحنی بازده
۲۱۶	۷-۳ سیاست‌های پولی و منحنی بازده
۲۱۶	آثار نرخ بهره سیاستی در منحنی بازده
۲۱۸	منحنی بازده به‌عنوان شاخص پیش‌رو اقتصاد
۲۱۸	سیاست پولی نامتعارف و منحنی بازده
	فصل ۸: سازوکار انتقال سیاست پولی؛ چگونگی تأثیر تغییرات نرخ بهره در خانوارها، بنگاه‌ها، نهادهای مالی،
۲۲۵	فعالیت‌های اقتصادی، و تورم
۲۲۸	۸-۱ سیاست پولی و رفتار خانوارها
۲۲۹	اثر جانشینی بین‌زمانی: مصرف امروز در مقابل مصرف فردا
۲۳۱	اثر درآمدی سرایت/انتقال سیاست پولی
۲۳۲	اثر سرایت/انتقال سیاست پولی در ثروت
۲۳۳	اثر سرایت/انتقال سیاست پولی در نرخ ارز
۲۳۳	اثر تجمیعی چهار عامل بالا: تأثیر در مصرف و پس‌انداز خانوارها
۲۳۳	۸-۲ سیاست پولی و رفتار بنگاه‌ها
۲۳۵	اثر سرایت سیاست پولی در هزینه تأمین وجوه
۲۳۵	اثر سرایت سیاست پولی در قیمت دارایی‌ها
۲۳۶	اثر سرایت سیاست پولی در نرخ ارز
	۸-۳ اثر سرایت سیاست پولی در انتظارات عمومی و دور دوم بازخورد آثار آن در رفتار خانوارها و
۲۳۷	بنگاه‌ها

۲۳۸.....	اثر سرایت سیاست پولی در انتظارات عمومی
۲۳۹.....	دور دوم بازخورد آثار سرایت سیاست پولی
۲۳۹.....	۴-۸ سیاست پولی و نهادهای مالی
۲۴۱.....	مجرای اعتباری
۲۴۲.....	مجرای ترازنامه
۲۴۲.....	۵-۸ تأخیرها و عدم اطمینان ناشی از آثار انتقال سیاست پولی
۲۴۴.....	هدایت سیاست پولی با توجه به تأخیرها و ناطمینانی‌ها
۲۵۱.....	فصل ۹: نرخ برای ارز و بانکداری مرکزی
۲۵۲.....	۱-۹ نرخ برای ارز، ثبات پولی، ثبات مالی، و ثبات اقتصادکلان
۲۵۲.....	در نظریه
۲۵۳.....	در عمل
۲۵۴.....	۲-۹ نظام‌های نرخ برای ارز
۲۵۴.....	طیف نظام‌های نرخ برای ارز
۲۵۵.....	نظام ارزی میخکوب ثابت [تأثیر منفی از نظام‌های ارزی]
۲۵۷.....	نظام نرخ برای شناور آزاد [انتهای دیپلیکس، نظام‌های ارزی]
۲۵۹.....	گزینه‌های میانی نظام‌های ارزی
۲۶۲.....	۳-۹ نظریه‌های نرخ برای ارز
۲۶۳.....	نظریه برای قدرت خرید
۲۶۶.....	برابری نرخ بهره پوشش نیافته
۲۶۸.....	الگوهای تعادل پرتفوی
۲۷۰.....	ریزساختار بازار نرخ برای ارز
۲۷۱.....	پیامد نظریه‌های نرخ برای ارز برای سیاست نرخ ارز
۲۷۲.....	۴-۹ تعامل با نرخ برای ارز در عمل
۲۷۲.....	دست‌وپنجه نرم‌کردن با نرخ برای ارز: مفاهیم کلان
۲۸۰.....	تعامل با نرخ برای ارز: سطح عملیاتی
۲۸۴.....	مدیریت ذخایر خارجی رسمی: طرف دیگر ترازنامه بانک مرکزی
۲۹۳.....	بخش سوم: ثبات مالی
۲۹۵.....	فصل ۱۰: ثبات مالی: تعریف، چارچوب‌های تحلیلی، و اصول نظری
۲۹۶.....	۱-۱۰ تعاریف ثبات مالی
۲۹۷.....	۲-۱۰ چارچوب تحلیلی عملی: اقتصادکلان، نهادهای مالی، و بازارهای مالی
۲۹۹.....	روابط درونی ذاتی بین اقتصادکلان، مؤسسات مالی، و بازارهای مالی
۳۰۰.....	ثبات مالی و سازمان بانک‌های مرکزی
۳۰۱.....	۳-۱۰ ثبات مالی: مبانی نظری

۳۰۳	اقتصادکلان: تعامل بین چرخه‌های مالی و اقتصادی
۳۱۰	مؤسسات مالی: واسطه‌گری، هجوم بانکی، و تاب‌آوری نظام بانکی
۳۱۴	بازارهای مالی: دلایل شکست بازار
۳۲۷	فصل ۱۱: ثبات مالی؛ پایش و شناسایی ریسک
۳۲۸	۱-۱۱ پایش و شناسایی ریسک در اقتصادکلان
۳۳۱	بخش خانوار
۳۳۲	بخش بنگاه‌ها
۳۳۳	بخش دولتی
۳۳۴	بخش خارجی
۳۳۵	حباب قیمت دارایی‌ها
۳۳۶	ابطال سیستم اقتصادکلان و ثبات مالی
۳۳۷	۲-۱۱ پایش و شناسایی ریسک‌ها برای نهادهای مالی
۳۳۸	انواع کلیدی ریسک‌ها: نهادهای مالی: ریسک اعتباری، بازار، نقدینگی، و عملیاتی
۳۳۸	ارزیابی ریسک‌ها در سطح هر نهاد مالی
۳۳۹	پایش و شناسایی ریسک در سطح نظام نهادهای مالی
۳۴۰	توزیع ریسک در شبکه مالی
۳۴۱	تراکم ریسک: مؤسسات مالی سیستمی (SIFIs)
۳۴۴	۳-۱۱ بازارهای مالی
۳۴۵	قیمت‌ها و بازده
۳۴۶	تفاوت بازده
۳۴۹	خالص وضعیت‌های باز
۳۵۹	فصل ۱۲: ثبات مالی؛ ابزارهای مداخله
۳۶۰	۱-۱۲ اقتصادکلان
۳۶۱	بحث در مورد استفاده از سیاست‌های پولی برای حفظ ثبات مالی
۳۶۲	حفظ ثبات مالی: مقابله با تهدیدها علیه شرایط اقتصادکلان، پیش از وقوع بحران
۳۶۶	حفظ ثبات مالی: مقابله با ریسک‌های پس از وقوع بحران در اقتصادکلان
۳۶۸	۲-۱۲ نهادهای مالی
۳۶۹	حفظ ثبات مالی: مقابله با تهدیدهای نهادهای مالی پیش از وقوع بحران
۳۸۲	حفظ ثبات مالی: مقابله با تهدیدهای مربوط به مؤسسات مالی بعد از وقوع بحران مالی
۳۸۶	۳-۱۲ بازارهای مالی
۳۸۸	حفظ ثبات مالی: مقابله با تهدیدهای مربوط به بازارهای مالی پیش از وقوع بحران
۳۸۹	حفظ ثبات مالی: مقابله با تهدیدهای مربوط به بازارهای مالی پس از وقوع بحران

۳۹۷	بخش چهارم: حفظ ثبات پولی و مالی برای دوران آینده.....
۳۹۹	فصل ۱۳: چالش‌های آینده برای بانکداری مرکزی.....
۴۰۱	۱-۱۳ تشدید جهانی شدن.....
۴۰۲	جریان آزادتر سرمایه بین‌المللی.....
۴۰۳	جریان‌ات آزادتر بین‌المللی کالاها و خدمات و نهاده‌های عامل.....
۴۰۵	خیزش واسطه‌های بین‌المللی.....
۴۰۵	۲-۱۳ تداوم تکامل در فعالیت‌های مالی.....
۴۰۵	افزایش فعالیت‌های مالی بازارمحور.....
۴۱۴	ظهور پرداخت‌های الکترونیک.....
۴۱۸	۳-۱۳ امور، تمام ناشی از بحران مالی جهانی.....
۴۱۸	بار سنگین بدن دولتی را اقتصادهای پیشرفته.....
۴۲۰	عادی‌سازی سیاست پولی را اقتصادهای پیشرفته.....
۴۲۱	فشار برای اصلاحات فزاینده و مقررات.....
۴۲۶	۴-۱۳ ترکیب همه موارد با یکدیگر.....
۴۳۳	فصل ۱۴: بانکداری مرکزی آینده؛ راهبرد و اجرا، آن.....
۴۳۴	۱-۱۴ راهبرد بانکداری مرکزی.....
۴۳۴	راهبرد و بانک مرکزی.....
۴۳۵	راهبرد بد اثبات شده.....
۴۳۶	جست‌وجو برای راهبرد جدید برای بانکداری مرکزی.....
۴۳۶	راهبرد سیاست پولی.....
۴۳۷	راهبرد نظارتی.....
۴۳۹	۲-۱۴ اجرای مؤثر راهبرد بانکداری مرکزی.....
	یک چارچوب تحلیلی سیاست عمومی برای افزایش ظرفیت بانک مرکزی برای اجرای موفق
۴۳۹	راهبرد انتخاب شده.....
۴۴۱	ظرفیت تحلیلی.....
۴۴۲	ظرفیت سازمانی.....
۴۴۴	ظرفیت سیاسی.....
۴۴۶	۳-۱۴ سخن پایانی: از گذشته تا به امروز و فراتر از آن.....
۴۵۳	واژه‌نامه فارسی به انگلیسی.....
۴۷۵	واژه‌نامه انگلیسی به فارسی.....
۴۹۷	نمایه.....

«علم اقتصاد موضوع بسیار دشواری است. من معمولاً آن را به تلاش برای تعمیر یک ماشین که در حال حرکت است تشبیه می‌کنم!» بن برنکی، رئیس سابق بانک مرکزی امریکا (۲۰۰۶-۲۰۱۴)

ترجمه کتاب بانک مرکزی، که به نظر خوانندگان گرامی می‌رسد، دارای ساختار و شکل و سبک آموزشی است. لذا، امید است برای دانشجویان رشته‌های مختلف اقتصاد، اقتصاد مالی، بانکداری، و سایر رشته‌های ذریعته مفید باشد. این کتاب علاوه بر استفاده آموزشی و کاربردی که برای دانشجویان دارد، امید است برای اساتید و کارشناسان و دست‌اندرکاران بانکداری مرکزی و بانکداری هم‌قابلاً استفاده باشد و در یک جمله علاوه بر استفاده آموزشی مبتدیان، برای منتهیان نیز به منزله فهرست منابع جامعی از حوزه بانکداری مرکزی و راهنمایی فوری کارایی داشته باشد. این کتاب از نظر ساختار، جامعیت مطالب، سادگی زبانی (به‌رغم پیچیدگی برخی اصطلاحات و مفاهیم)، در پرورش موضوع بسیار مهم و مناقشه‌برانگیز بانکداری مرکزی و ابعاد وسیع و پیچیده آن موفق بوده است. مطالب کتاب از تاریخچه بانکداری مرکزی تا مسائل مبتلابه بانکداری مرکزی مدرن، چرخش نظیم مالی اخیر، و ایده‌هایی برای آینده بانکداری مرکزی را دربر می‌گیرد.

انگیزه ترجمه کتاب به این واقعیت بازمی‌گردد که در موضوع بانکداری مرکزی، با شمول تحول تدریجی اهداف و کارکردهای تاریخی و تکامل آن تا شکل مدرن امروزی، سابق و استقلال و جامعه به زبان فارسی نیافتم. در جست‌وجوی کتابخانه‌های تخصصی مانند بانک مرکزی، پژوهشکده پولی و بانکی، و پایگاه داده‌های سازمان اسناد و کتابخانه ملی، آشکار است در این مقوله دچار فقر ادبیات به زبان فارسی هستیم. شاید به جرئت بتوان گفت کتاب حاضر در نوع خود نخستین اثر نسبتاً کامل در مورد بانکداری مرکزی است. در همین مقدمه، در مورد اهمیت این پدیده در دوره حاضر نکاتی تقدیم می‌شود. فقر ادبیات بانکداری مرکزی به زبان فارسی با توجه به اهمیت بی‌نظیر این پدیده، لزوم پرداختن به این مقوله را یادآور می‌شود. امید است انتشار این کتاب گام نخست در این زمینه باشد و در آینده اساتید و کارشناسان فن این کمبود را جبران کنند.

برای آشنایی با کتاب، خوانندگان عزیز به مقدمه مختصر مؤلف ارجاع داده می‌شوند که معرفی

بسیار موجز ولی کاملی از کتاب به دست می دهد. لذا برای معرفی کتاب، از تطویل کلام در این مختصر اجتناب می کنم و با اغتنام فرصت می کوشم با زبان ساده در موضوع بانکداری مرکزی نکاتی را در دو حوزه عمومی و سپس در مورد ایران ذکر نمایم.

تبیین اهمیت نقش بانک های مرکزی در مدیریت اقتصاد برای نیل به رشد و توسعه باثبات و پایدار در سطح جهانی مهم ترین نکته فراگیر و جهان شمول این حوزه است. اهمیت این پدیده لزوماً در نشست بانک مرکزی بر صدر اخبار روزمره نیست. برعکس، بانک مرکزی آنگاه موفق است که از صحن اخبار و حوادث غایب باشد و از منظر عام مؤسسه ای کسل کننده به نظر آید. بانک های مرکزی در دنیای مدرن نقشی حیاتی ایفا می کنند؛ برای نمونه، به نقل قولی در مورد بحران مالی جهانی سال های ۲۰۰۸-۲۰۰۹ بعد اشاره می شود: «بانک های مرکزی جهان را نجات دادند.» این مطلب را جیکوب زکریا، رئیس سابق بانک مرکزی رژیم اشغالگر و رئیس هیئت مدیره فعلی بانک امریکایی جی. پی. مورگان اندروینال، سه شنبه ۴ اردیبهشت ۱۳۹۷ در سمیناری در لندن گفته است. وی همان جا اضافه کرد: «در پی بحران مالی سال ۲۰۰۸، درحالی که دولت ها با ناکارآمدی قادر به درک و تطبیق با شرایط نبودند، بانک های مرکزی جهان را نجات دادند.» در سمینار مذکور، این سخنان با تأیید و تکرار اساتید اقتصاد و حرفه رزان مجرب و کارآزموده در نقد بی عملی و ناکارایی دولت ها در حل مشکلات بخش مالی اقتصاد تکرار شده است و نتیجه گرفته اند جهان نیازمند دولت های پیشگام و نوآور است.

مختصر آنکه در سطح جهانی در مورد نقش بی نیل بانک مرکزی اجماع عمومی وجود دارد. هرچند در ایران، هنوز در ابتدای راه هستیم، به طوری که هنوز در مورد استقلال بانک مرکزی به نتیجه نرسیده ایم و برای اختیارات بانک مرکزی در مورد صدور و مرز برای فعالیت مؤسسات مالی تا این اواخر تردیدهایی وجود داشت که با بحران های پی در پی و سقوط مؤسساتی که از بانک مرکزی مجوز فعالیت نداشتند، کمابیش در مسیر اجماع قرار گرفته ایم. این پدیده را می توان «اجماع جهانی و تردید ملی» نامید که لااقل در حوزه بانکداری موجب عقب ماندگی کشور و خسارت فراوان شده است.

با مروری بر سیر تحول تاریخی بانکداری مرکزی واضح است که هرچه در تاریخ جلوتر آمده ایم، بانکداری مرکزی قوی تر و پر مسئولیت تر شده است. هرچند، روزگاری را در تجربه تاریخی داریم که بانک های مرکزی وظایف بسیار محدودتری داشتند و یا حتی بعضاً با تصمیم پارلمانی منحل شدند؛ ولی در عصر حاضر، بانک مرکزی به نهادی با وظایف بسیار مهم برای اطمینان از ثبات و پایداری

شرایط پولی و بخش مالی اقتصاد تبدیل شده است که بیش از پیش در پیشانی مدیریت اقتصاد قرار گرفته است. در زمان ما، می‌توان گفت در مورد اهداف و وظایف و اختیارات بانک مرکزی تا حدود زیادی اجماع جهانی شکل گرفته است و به‌رغم برخی تفاوت‌ها بین کشورها، تا حدود بسیاری حتی ترتیبات نهادی و سازمانی و ابزار و روش‌ها و فرایندهای مورد عمل بانک‌های مرکزی در سطح کلان مشابه یکدیگرند؛ برای مثال، روزگاری تردیدهایی برای شمول نظارت بانکی و نظارت احتیاطی در وظایف بانک مرکزی وجود داشت، لیکن امروزه در این‌گونه موارد اجماع اجمالی وجود دارد.

البته با وجود آنچه ذکر شد، هنوز بین کشورها تفاوت‌های مهمی در مورد وظایف بانک مرکزی وجود دارد. ولی، نکته بسیار مهم و قابل توجه این است که حتی در مواردی که حوزه‌هایی را در شمول وظایف بانک مرکزی نمی‌دانند، توجه به ارتباط آن حوزه‌ها با ثبات پولی و مالی، هماهنگی با بانک مرکزی را ضروری می‌دانند و با قاطعیت بر آن تأکید می‌ورزند. برخی حوزه‌ها هم هستند که رفته‌رفته اهمیت خود را از دست می‌دهند. لذا از شکل وظایف بانک مرکزی بعضاً خارج می‌شوند. نمونه این موارد نشر اسکناس است که با توسعه بانکی الکترونیک و رواج ابزارهای پرداخت الکترونیک استدلال می‌شود این وظیفه می‌تواند در اختیار وزارت دارایی یا خزانه‌داری قرار گیرد.

از مهم‌ترین اجزای اجماع جهانی در مورد نهاد بانک مرکزی، استقلال و خودمختاری عملیاتی آن در نیل به اهداف تعیین شده در قالب دموکراتیک (باسخ‌گو) است. همچنین، موضوعاتی چون افزایش ظرفیت نهادی بانک مرکزی برای هدایت سیاست پولی و اطمینان از ثبات پولی و مالی اقتصاد، امری دارای اقبال و پذیرش عمومی است. در همین زمینه، شاید ذکر است اعتبار سیاستی برای بانک مرکزی امری حیاتی است که با استقلال عملیاتی بانک ارتباط محکمی دارد. توسعه بخش مالی و ابزارهای مالی به نحوی که تدارک خدمات مالی مناسب برای رشد اقتصادی را تسهیل کند، در کنار بسیاری موارد دیگر از بانک‌های مرکزی انتظار می‌رود.

انتظارات از بانک مرکزی موارد دیگری از قبیل نکات زیر را شامل می‌شود:

فراهم آوردن زیربناها و زیرساخت‌های بخش مالی برای ارتقای خدمات مالی مناسب رشد و توسعه اقتصادی، ایجاد قواعد و روش‌ها و نهادهای منعطف و قاعده‌مند تنظیم‌گری (شامل مقررات‌گذاری و نظارت)، تشویق رقابت، حمایت از مصرف‌کنندگان، ترویج استانداردهای حاکمیت شرکتی، گزارشگری مالی و رعایت الزامات (compliance)، اطمینان از تناسب و استحکام نظام‌های پرداخت و تسویه مؤثر و کارآمد، طراحی نظام ارزی و مدیریت بازار ارز، اطمینان از تناسب و کفایت سرمایه و ذخایر جبران زیان ناشی از وام‌های لاوصول، اطمینان از

برخورداری و تناسب برنامه حل و فصل برای کلیه مؤسسات مالی و بانکی به‌ویژه مؤسسات مهم سیستمی، افزایش پس‌انداز و توسعه واسطه‌گری مالی و افزایش کارایی سرمایه‌گذاری‌ها برای کمک به رشد و توسعه اقتصادی و رفاه عمومی، اصلاحات مستمر پولی-بانکی و توسعه ابزارهای ذی‌ربط، تسهیل مهاجرت از کنترل‌های مستقیم به غیرمستقیم در هدایت و اجرای وظایف و عملیات، بهبود دستیابی به نرخ‌های بهره بازارمحور، تحول سازمانی و فرایندها و روش‌های حسابداری و حسابرسی و توسعه دائم ظرفیت کارشناسی و تحلیلی و نیروی انسانی.

با توجه به اهمیت موضوع، لازم است به اهم نکات دیگری از تجربه جهانی اشاره شود. نقش بانک مرکزی در توسعه بخش مالی بی‌بدیل است؛ لذا، مسئولیت سنگینی در این مورد بر عهده بانک مرکزی قرار دارد. برای ایفای این مسئولیت، اصلاحات بخش مالی از نهایت اهمیت برخوردار است. هدف از این اصلاحات نیل به کارایی، افزایش رقابت، و اثربخشی در جهت رشد و توسعه اقتصادی و اثبات کارایی از طریق دنبال کردن اهداف ثبات پولی و مالی اقتصاد است. برای دستیابی به کارایی سیستم پولی، اقتصاد نیازمند بخش مالی کارآمد است و گر نه انتقال و سرایت سیاست پولی به درستی انجام نمی‌شود و بسا که سیاست پولی خوب هم نتیجه مناسب ندهد. همچنین، لزوم جلوگیری از نرخ‌های بالای سود حقیقی برای سپرده‌ها (با هدف جلوگیری از بروز عدم تعادل ناشی از آن) منعکس‌کننده تجربه اقتصادهای آزاد است، زیرا اگر نرخ بهره حقیقی در اقتصاد از نرخ بازده نهایی سرمایه در فعالیتهای بخش واقعی اقتصاد فراتر رود، به انحراف و عدم تعادل شرایط اقتصاد و نکول وسیع و ورشکستگی، کاهش سطح تولید و اشتغال، گسست و دوری از روند بلندمدت رشد و نااطمینانی فراگیر می‌انجامد.

برای اثبات حساسیت فوق‌العاده قلمرو وظایف بانک مرکزی، این اشاره کافی است که عملیات آن مشحون از تضاد و تناقض‌های بسیار است. کارآمدی هدایت و ایفای سیاست‌ها، برنامه‌ها، و عملیات بانک مرکزی منوط به مدیریت و حل بهینه این تضادهاست. بنابراین در این حوزه، تخصص، روزآمدی، دقت نظر، تجربه، و کیفیت قضاوت از نهایت درجه اهمیت برخوردار است. در اغلب موارد، تضاد در مورد ثبات پولی و ثبات مالی، یا سیاست پولی و نظارت احتیاطی کار قضاوت و انتخاب راهبرد را دشوار می‌سازد؛ مثلاً در مواردی که سیاست پولی مستلزم تزریق پول و انبساط است، درحالی‌که همین امر امکان تضعیف نهادها و بازارهای مالی و زمینه‌چینی بحران را فراهم می‌کند. مثال دیگر تضاد اهداف بانک مرکزی به‌عنوان وام‌دهنده نهایی و استقلال بانک مرکزی از فرایند سیاسی است. این مثال را در شرایط ایران به‌وفور و بانک‌ها که سهل است، حتی

در رابطه با مؤسسات بدون مجوز بانک مرکزی هم شاهد بوده‌ایم. بانکداری مرکزی پر از ظرافت‌های بسیار پیچیده است که توجه خاص و لزوم تخصص، پختگی، و تجربه فراوان در این خصوص را گوشزد می‌کند. بهره‌برداری از تجارب سایر کشورها و ملاحظه شرایط اقتصادی و تجاری کشور، منطقه، و جهان از پیش‌نیازهای موفقیت است.

نکته بسیار مهم دیگر لزوم همکاری و هماهنگی کلیه نهادهای نظارتی به‌ویژه نهادهای نظارت بخش مالی، و همچنین هماهنگی با همتایان بین‌المللی بانک مرکزی است. همخوان کردن و اشتراک‌گذاری تجربه و اطلاعات از حوزه‌های مهم این هماهنگی است. از یک‌سو، لزوم تمرکز سیاست‌گذاری و نظارت بخش مالی طرفداران فراوان و استدلال‌های قوی دارد و از سوی دیگر این تمرکز باعث تشدید تفاهات و سردی در عملیات ذی‌ربط است و لزوم تفکیک را گوشزد می‌کند. در هر حال، لزوم گفتمان «بی»، «بی‌تجربگی»، و با استفاده از مبانی نظری و تجربه جهانی و هماهنگ کردن گفتمان با مقتضات ملی، بومی برای نیل به الگوی بانکداری مرکزی مطلوب و بومی هر کشور و تحول آن در گذر زمان مهم‌ترین اصل راهنمای عمل است.

نکته دیگر اینکه بانک مرکزی با وجود عنوان بانک، یک بنگاه اقتصادی با هدف سودآوری نیست. ولی با وجود این، زیان‌دهی بانک مرکزی را این حقیقت که ممکن نیست بانک مرکزی معسور یا ناتوان از ایفای تعهدات خود باشد، اثر منفی روانی در اعتبار سیاستی آن باقی می‌گذارد.

بررسی تجربه بانکداری مرکزی در ایران در چارچوب این مجال و پیشگفتار مختصر نمی‌گنجد. ولی با توجه به مشکلاتی که در زمان حاضر و سال‌های گذشته در موارد مختلف، از جمله مؤسسات مالی و بانکی غیرمجاز و تلاطم‌ها و نوسانات نرخ سود بهره و تسهیلات و همچنین نرخ ارز شاهد بوده‌ایم، به مصداق «آب دریا را اگر نتوان کشید / هم به‌قدر سنگ باید چشید» مرور نقادانه‌ای بر تجربه کشور می‌شود. در یک جمله، بانکداری مرکزی در ایران شناخت با نظام اقتصادی حاکم است. به دیگر سخن، ضعف‌ها و قوت‌های نظام مدیریت و حکمرانی اقتصاد همچون آینه در تجربه بانکداری مرکزی منعکس است. شایسته هم همین است که نظام سیاسی سیاست خود را در آینه‌های پیش رویش از جمله در بانکداری بتاباند و مسئولیت آن را هم بپذیرد. از منظر تطبیقی، بعضاً اهداف، ساختار، و کارکردهای بانک مرکزی ایران با همتایان مدرنش در جهان متفاوت است. این تفاوت را در قوانین مربوط به بانکداری مرکزی و بانکداری به‌روشنی می‌توان دید. در حالی که قوانین ذی‌ربط در جهان طی دهه‌های گذشته تغییرات اساسی را تجربه کرده‌اند، در ایران، قانون پولی و بانکی بیش از ۴۵ سال است که تغییر نکرده است. عمده‌ترین

قوانین مصوب در ۴۰ سال گذشته در حوزه بانکداری عبارت‌اند از: قانون ملی‌شدن بانک‌ها، قانون نحوه اداره بانک‌ها، و قانون عملیات بانکداری بدون ربا، که به‌رغم ضرورت‌های زمان تصویب، تطویل بی‌جا و عدم اصلاح بموقع قوانین مزبور باعث شده است هریک از آن‌ها نقش بزرگی در اوضاع نابسامان فعلی نظام بانکداری داشته باشند.

یک نمونه دیگر از تغییرات لازم مربوط به درجه استقلال بانک مرکزی است که به‌گواهی تجربه جهانی نقش اصلی در کارایی و پاسخ‌گویی سیاست‌های پولی دارد. این موضوع در جای خود توسط عامل فن در ایران به تفصیل مورد توجه و تذکر بوده است، ولی اراده نظام سیاسی بر تحقق آن تغییری نگرفته است. اگرچه در مورد اهداف و نقش بانک مرکزی در نظام‌های مبتنی بر اقتصاد بازار کمتر تفاوت نادیده وجود دارد، همچنین در مورد تطور و تحول این نقش‌ها؛ مثلاً، استقلال بانک مرکزی مورد انتقاد عقلا و کشورهای توسعه‌یافته و بیشتر کشورهای درحال توسعه است. اما در ایران همان‌طور که ذکر شد، ابهامات فراوانی در این مورد وجود دارد. به‌عنوان نمونه‌هایی دیگر، نقش بانک مرکزی در موارد زیر در قوانین مربوط به بانکداری کمابیش مفقود است:

نظارت احتیاطی کلان و خرد دهه، و قاعده‌مندی سیاست پولی، ثبات مالی، استاندادهای بانکداری شامل تصویب و اجرای اسنادهای بین‌المللی ازجمله رهنمودهای مصوب کمیته بازل (باوجود اینکه بیش از سه دهه از اعمال آن در جهان می‌گذرد و شامل تغییرات متعدد و مکرری شده است، هنوز نسخه اولیه آن در ایران به‌طور صریح تصویب و اجرا نشده است تا چه رسد به بازل ۲ و ۳)، نقش بانک مرکزی در عملیات مرتبط با بازار بدهی، رویه‌های روزآمد حاکمیت شرکتی و مدیریت بانک‌ها (که در رتبه‌بندی بانک‌ها دارای دستورالعمل درجه اهمیت است)، نظام احیا و فیصله، و نقش بانک مرکزی در مدیریت بحران‌های بانکی که اعمال آن ذکر شد، همگی حتی در حد قوانین و مقررات حاکم با کمبودهای جدی مواجه است.

برجسته‌ترین وجه تجربه تاریخی بانکداری مرکزی در ایران بانکدار دولت (یا همان صندوق دولت) بودن است، هرچند تأمین مالی دولت از وظایف منسوخ بانک‌های مرکزی مدرن است. کسر بودجه مزمن دولت و نقش آن به‌همراه سایر اشکال سرکوب مالی، ازجمله نرخ‌های دستوری بهره سپرده‌ها و وام‌ها و اختلال شدید در نظام تخصیص منابع، ازدحام مالی حاصله و خروج بخش خصوصی از فرایندهای سرمایه‌گذاری و جایگزینی نهادهای دولتی و شبه‌دولتی و عمومی (خصوصی) از عوارض حضور نامناسب دولت در این حوزه است. استفاده کمابیش روزمره دولت‌ها از بانک مرکزی برای حل مشکلات، به‌خصوص در مواردی که راه‌حل دیگری نمی‌یابند، بانک مرکزی را به نحو فاجعه‌باری از

کارکرد اصلی و طبیعی خود دور کرده است. فزونی دائم تقاضا بر عرضه پول در اقتصاد در ۴۰ سال گذشته، ناترازی بازار اعتبار و تخصیص دستوری و دوستانه و دخالت فرایند سیاسی در تخصیص اعتبار امکان تخصیص بهینه و رقابتی منابع بانکی را به شدت مختل کرده است.

در دهه های اخیر (به استثنای معنادار دوره اجرای برنامه سوم توسعه اقتصادی)، متأسفانه شیوه حکمرانی و مدیریت اقتصاد به جهتی معطوف بوده است که بانک مرکزی بدون برخورداری از قدرت قانونی و حداقل امکانات، به محل سرریز و پاسخ گویی مشکلات اقتصادی تبدیل شده است. قدرت خلق پول بانک مرکز در اغلب موارد از جمله برای رفع کاستی های نظام تولید و تجارت، کمبود پس انداز و سرمایه گذاری، بیکایی و نرخ ارز، به عنوان حلال مشکلات تلقی می شود؛ مثلاً، مؤسسه ای بدون دریافت مجوز از بانک مرکزی و (با مجوز دوایر نامربوط دیگر) اقدام به حیف و میل اموال مردم در بازی پانزی می کند، ولی در آن آستانه بانک مرکزی بدهد. طرفه اینکه تظاهرات و شعار زنده باد و مرده باد را علیه بانک مرکزی مرده ها، نه به آن مرجع نامربوطی که مجوز فعالیت را صادر کرده است، فقط به این دلیل که بانک مرکز در چاپ اسکناس دارد.

خلاصه اینکه دولت ها الزامات بانکداری مرکزی مدیان را عایت نکرده اند و با بانک مرکزی مانند ماشین چاپ اسکناس برخورد کرده اند. ولی با بروز مسائل اساسی اعم از ورشکستگی، اعسار، تورم، بحران قیمت ارز، و بحران بانکی انگشت خود را به سوی بانک مرکزی به عنوان خطای اشاره رفته اند. تسهیلات تکلیفی، ملی کردن بانک ها، سرکوب مالی، تخصیص دستوری منابع، دوری از رویه ها و استانداردهای نظری و حرفه ای بانکداری، ضعف مفرط فرهنگ بانکداری و نظام حکمرانی شرکتی در بانک ها، تحریم ها و عدم امکان معامله با دلار ضربه های مهلکی به نظام بانکداری بوده اند.

تلاش برای پایین نگه داشتن نرخ برابری ارز با وجود بالا بودن نرخ حقیقی بسیاری از کالاهای بانکی اشتباه مهلکی بوده است. در مورد اصرار ناروا بر ثبات قیمت ارز، کافی است به این آمار توجه شود که به گزارش بانک مرکزی، ناترازی حساب سرمایه تراز پرداخت ها در نه ماهه اول سال ۱۳۹۶ مبلغ ۱۴ میلیارد دلار منفی است. به گزارش صندوق بین المللی پول هم در سال ۱۳۹۵، کسری حساب سرمایه بیش از ۱۶ میلیارد دلار و رقم مشابه تخمینی صندوق برای سال ۱۳۹۶ بیش از ۲۷ میلیارد دلار است که جمع کسری حساب سرمایه برای دوره دوساله را به رقمی حدود ۴۴ میلیارد دلار کسری می رساند، آن هم در دوره ای که با ریسک خروج امریکا از برجام نیازمند سپهر حایل حمایتی در همه زمینه ها و از جمله مدیریت تراز پرداخت ها بوده ایم.

بدون دخالت دولت و در صورت استقلال بانک مرکزی، شاهد چنین وضعی نمی بودیم. ولی

به این ترتیب، به مخاطرات اخلاقی و فساد گسترده دامن زده می شود که به عنوان مثال در مورد مؤسسات غیرمجاز به منزله تضمین صریح بدهی این گونه مؤسسات (که بعضاً با سوءاستفاده از نام های مقدس، اموال مردم را به تاراج برده اند) و سایر ورشکستگان بانکی و بعضاً غیربانکی، نه از جیب دولت بلکه از صندوق بی انتها و فسادآور بانک مرکزی است. آثار کمبودها و بی انضباطی های بودجه ای و شبه بودجه ای بر بانک مرکزی و نظام بانکی تحمیل می شود که تخریب وسیع بانک مرکزی و بخش مالی بالاخص نظام بانکی را فراهم آورده است. انحراف و چسبندگی نرخ ها، سود بانکی (انتظارات سپرده گذاران)، کیفیت و خیم ترازنامه نظام بانکی و اجزای آن از نتایج این سیوه حکمرانی است. در دهه های گذشته، به تفاریق ترازنامه بانک مرکزی در معرض دست اندازی دوا - ها بوده است و به تازگی بانک ها نیز در این امر به دولت پیوسته اند. بدحسابی تاریخی و مزین دوا - با بانک مرکزی به حدی بود که بانک مرکزی در دوره هایی ترجیح می داد به مانده بدهی دولت هیچ سود و جریمه ای تعلق نگیرد تا سودی ثبت نکند و دولت مالیات و سود سهامی مطالبه نکند که منتهی به پلایه پولی را تحت تأثیر قرار ندهد.

البته آنچه گفته شد، آنچه بانکی از وجه غالب سلسله علل مشکلات موجود است، رافع مسئولیت بانک مرکزی نیست. برای موارد - رئی تر در اختیار بانک مرکزی بوده و است که در جای خود بسیار مهم و شایسته نقد و بررسی است؛ مثلاً، استقلال و شخصیت حرفه ای بانکداران مرکزی ایستادگی در مقابل مشکلات تا مرز اخراج و استعفا را می طلبد. و یا اینکه در برخی موارد از عملکردها این شبهه القا می شود که مبدا مانند یک نگاه اقتصادی و یا یک شرکت مادر متشکل از گروه بنگاه های اقتصادی عمل می کند.

در پنج سال اخیر، آزادسازی نرخ سود و عوارض ناشی از آن به بررسی کستگی بنگاه های اقتصادی افزوده است. اهمیت این موضوع به ویژه در زمانی که عمق بخش - در کیفیت ترازنامه بانک ها مناسب نیست و مشکلات و ضعف های ساختاری از قبیل ضعف های به - ای، مقرراتی، نظارتی، و مشکلات تاریخی از قبیل سرکوب مالی و تنگناهای سیاسی بین المللی وجود دارد، بیشتر است. تأخیر در تأثیر کاهش سطح تورم از سال ۱۳۹۲ به بعد نظام اقتصادی را در چالشی بزرگ قرار داده است. ثبات محیط کلان بر آزادسازی نرخ سود تقدم دارد. مشکل عدم سودآوری متناسب با نرخ های سود بانکی در بخش واقعی در سال های ۱۳۹۲ تاکنون موجب بی اعتباری سیاستی، عمیق تر شدن بحران بخش مالی، بی اعتمادی عمومی به بانک ها و سایر عوارض ناشی از آن شده است و افق بی ثباتی و انتظارات عمومی منفی را تغذیه می کند.

هرگونه آزادسازی که به درستی طراحی نشود، موجبات بی ثباتی محیط کلان و بخش مالی را فراهم می کند. آزادسازی باید تدریجی باشد تا بتوان آموزش و تجربه اندوزی عوامل بازار را محقق کرد، زیرا بر اساس تجربه جهانی آزادسازی در بازارهایی که دوره طولانی تحت کنترل سرکوب بوده اند به نتایج پیش بینی ناشدنی می انجامد.

به علاوه، عدم بهره برداری از دوره ثبات نسبی بازار ارز و تورم در سال های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ موجب از دست رفتن فرصت و کاهش اعتبار سیاستی و آثار و عواقب آن برای اصلاحات بانکی و ثبات پولی و ارزی و مدیریت انتظارات تورمی شده است. این ها را مشکلات فضای سیاسی بین المللی در مورد ایران و خاورمیانه و درهم تنیدگی آن با مشکلات مربوط به مداخله در بازار ارز و آزادی حساب سرمایه بشمار باید کرد.

در حال حاضر، روندهای تعالی بلند مدت نرخ سود با توجه به ترازنامه بانک ها، بنگاه های اقتصادی، و خانوارها هشداردهنده است.

به علاوه، از بین رفتن ساختار سررسید سپرده ها، تجمع سپرده ها در دامنه بسیار کوتاه مدت (حتی یک شبه، مخصوصاً برای سپرده های بزرگ) و کردار اسطوگری سررسید را - که از اصلی ترین کارکردهای نظام بانکی است - عملاً از بین برده است. شرایط نظام بانکی خوب نیست و سال به سال وخیم تر می شود. طبق گزارش صندوق بین المللی پول، در هر سر ۲۰۱۸، نظام بانکی ایران دارای بالاترین نسبت هزینه به درآمد در جهان است. حسب حال نسبت مازاد خفی بودن هزینه ها و اعسار عملی نظام بانکی است؛ خصوصاً اگر نسبت کفایت سرمایه پایین و نسبت وام های مشکل دار را به کل وام ها و نسبت پایین ذخایر برای جبران زیان دهی وام ها را در نظر داشته باشیم.

سخن آخر اینکه ابداع پول و بانک جادوی عجیب و کیمیاگری را یادآور می شود. و این جادو و کیمیا را بانک های مرکزی تصدی می کنند. پیش از اختراع پول کاغذی (اعتباری) و سواى فلزی پول و یا ارزش طلای پشتوانه نماینده ارزش پول بود. حال به قول مروین کینگ، رئیس کل سابق بانک مرکزی انگلستان، «کاغذ چون طلا ارزشمند شده است و این کیمیاگری است». این قدرت مالی فوق العاده بخت هایی را گشوده و رفاه هایی را تغذیه کرده است. لکن، این تمام داستان نیست. فاجعه ها و بحران هایی نیز از این هیولا زائیده شده است؛ مانند تورم لجام گسیخته، فقر توده های مردم، سقوط و ورشکستگی بانک ها، و بحران های عظیم که تقریباً در سطح کشورها، مناطق، و یا جهان شاهد بروز بی وقفه آن ها هستیم. پرسش اصلی این است که چگونه از این قدرت به طور متعادل استفاده کنیم تا از ضعف های ذاتی آن اجتناب شود. این چالش دائم بانک های مرکزی

است. کشورها باید با به‌کارگیری تجربه جهانی و ملی و بهره‌جویی از همه امکانات، برای تأسیس و بازسازی بانک‌های مرکزی پیوسته بکوشند. هرچه در این راه هزینه کنند، کسر کوچکی از زیان ناشی از غفلت از این هدف نخواهد بود.

در این ترجمه برای سهولت معادل‌یابی و رابطه بیشتر با زبان اصلی کتاب سعی شده است معادل‌های انگلیسی بیشتری در پانویست‌ها درج شوند. هرچند همه پانویست‌ها در واژه‌نامه کتاب درج نشده، آنچه در واژه‌نامه دوسویه آمده است با سخاوت و وسعت نسبتاً بیشتری از واژگان تخصصی را دربر می‌گیرد. معادل‌یابی دشوارترین بخش کار است. واژه‌ها دارای معانی متفاوت و متنوع است. انتخاب گزینه مناسب به سیاق متن بستگی دارد. در برخی موارد هم اساساً معادل یا جایگزینی در فارسی وضع و ابداع نشده است یا دست‌کم این قلم از آن‌ها بی‌اطلاع است. فارغ از اینکه برای واژه‌های عبارت معادلی در فارسی وجود داشته یا نداشته نباشد، انتقال مفهوم در چارچوب زبان مقصد، مستلزم ترجمه فرهنگی است که بعضاً لازمه آن انتخاب‌هایی دشوار و دوری از معانی مصطلح‌تر است که ریشه در فرهنگ‌های موجود و مرسوم درج است.

نمونه برخی موارد ذکر شده در بالا، اینجا به نظر خوانندگان محترم می‌رسد. ابتدا در مورد واژگان جدید که برای نخستین بار در این کتاب به‌کار رفته است، مثال‌هایی ذکر می‌شود؛ برای عبارت «propriety trading» معادل «معاملات مالکانه یا سوداگرانه» انتخاب شده است. این مفهوم به معاملاتی اشاره دارد که برای نوسان‌گیری و بهره‌گیری از تغییر قیمت‌ها در بازار انجام می‌شود. این مفهوم در مقابل سرمایه‌گذاری‌هایی قرار می‌گیرد، که برای نگهداری تا سررسید انجام می‌شوند. واژه «outright» که معمولاً همراه واژگانی چون «forwards» به‌کار می‌رود، «سره» یا «سراسر» ترجمه شده است. معادل فارسی «recovery and resolution» به‌رغم برخی پیشنهادها برای کاربرد گزرد، در این کتاب با عطف توجه به محتوای متن، نظر از مقررات و برنامه مربوط «احیا و فیصله» انتخاب شده است.

برای «subprime» نامرغوب، «accommodative monetary policy» سیاست پولی مساعد (برای تمایز با معادل‌های مربوط به سیاست پولی انبساطی expansionary)، همچنین «assumption» در معنای خرید معادل «اکتساب» به دلیل معنای قبول بدهی‌های مربوط به دارایی‌های خریداری شده و برای تمایز با «acquisition» به معنای «تملک» و یا «foreclose» به معنای «تملیک» و «purchase» به معنای «خرید» انتخاب شده است.

برای «regulation» به‌رغم گزینه‌های متعددی از قبیل مقررات‌گذاری، نظارت و انتظام‌بخشی،

واژه «تنظیم‌گری» (به معنای مقررات‌گذاری و نظارت) انتخاب شده است. هرچند در فرهنگ لغات معادل‌های دیگری برای «resilience» درج است، در این کتاب و در سیاق متن و به عنوان صفتی برای نظام مالی و نهادهای مالی «تاب‌آوری» به معنای «قدرت مقاومت» و قدرت احیا و بازگشت به وضع پیش از بحران و شوک و آشوب و مشکل ترجمه شده است که می‌تواند مبنای مقبولی برای اقتصاد مقاومتی هم تلقی شود. به منظور افاده بهتر محتوا در عناوین و اسامی، برای انواع عبارات مربوط به نظام‌های سیاست‌گذاری و مدیریت نرخ ارز، معادل‌های مشروح‌تری به کار رفته است؛ مثلاً، «exchange rate» معادل «نرخ برابری ارز»، و «gold exchange standard» معادل «نظام پولی مبادله‌ی طلا و ارز». همچنین است برای «too-big-to-fail» معادل «بسیار بزرگ و رشکست‌ناشدنی (به دلیل ریسک سرایت)» و عبارت ترکیبی «too-connected-to-fail» به «بسیار مرتبط و رشکست‌ناشدنی (به دلیل ریسک سرایت)» ترجمه شده‌اند. واژه «stylize» و مشتقاتش به معنای «سبک‌شناسی» و «سبک‌شناسانه» آمده است.

واژه «repurchase» که به‌خصوص در عادات خزانه‌داری بانک‌های خارجی پرکاربرد است و آن را به اختصار «repo» گویند، بسیار مصطلح است. هر دو صورت این واژه در کتاب آمده است. در ترجمه برای کمک به فهم مطلب، به‌ویژه برای اجتناب از اشتباه با واژه‌هایی از قبیل «buyback» به معنای «خرید متقابل» و «redeem» به معنی «بازخرید»، هماهنگ با ریپو و خرید مجدد همراه هم به کار رفته است. در مواردی بنا به کاربردهای متفاوت در متن، معادل‌های متنوع یا متفاوت با معنای مصطلح به کار رفته است؛ مثلاً، برای «spread» معنای «مابه‌التفاوت» یا «تفاوت بازده»، «mandate» معنای «مأموریت، وظیفه، و هدف»، برای «authority» «مازمان» یا «مرجع»، و برای «transmission» معادل «سرایت» علاوه بر «انتقال» انتخاب شده است. همچنین، شایان ذکر است مترجمان در برخی موارد مطالبی را به متن اصلی افزوده‌اند که برای سمایز آن از متن و رعایت امانتداری آن‌ها را داخل کروشه قرار داده‌اند.

امید است کوشش به عمل آمده که خلاصه‌اش در واژه‌نامه دوسویه پایان کتاب درج است، به کار اهل فن و حرفه و کارشناسان و صاحب‌نظران بیاید و به غنای فرهنگ واژگان مالی و بانکی در حد و اندازه خود بیفزاید.

ترجمه این کتاب را در وهله نخست سرکار خانم فاطمه نوربخش بر عهده داشته و سپس آقای دکتر محمد سیرانی ویرایش علمی کرده‌اند. همچنین، آقای دکتر جعفر خیرخواهان برخی از فصول آغازین را مرور و پیشنهادهای خوبی ارائه کردند. آقای دکتر سید احمدرضا جلالی نائینی قسمت واژه‌نامه را

مرور فرمودند و از پیشنهادهای خوب ایشان بهره‌مند شدیم. از همه دوستان و بزرگواران تشکر و تقدیر می‌کنم. اینجانب در مراحل بعدی کل ترجمه را بازبینی و در بسیاری موارد تجدید تحریر نمودم. لذا، مسئولیت کلیه اشتباهات را می‌پذیرم و از پیشنهادهای اصلاحی، به امید اصلاح در چاپ‌های بعدی، استقبال می‌کنم. از خانم‌ها اکرم نوری و زهره محمدیان که مسئولیت ویرایش و صفحه‌آرایی را بر عهده داشتند و همچنین سایر همکاران پژوهشکده پولی و بانکی که در انتشار این کتاب یاری رسانده‌اند، سپاسگزاری می‌کنم. پیشنهادهای و انتقادهای صاحب‌نظران را به دیده منت می‌پذیرم.

این رشته را با نقل قولی به پایان می‌برم:

«ما هیچ‌گاه عاقل‌تر نخواهیم شد مگر زمانی که بفهمیم بسیاری از کارهایمان احمقانه بوده است!» - رد ریش فون هایک (۱۸۹۹-۱۹۹۲)

احمد عزیزی

تابستان ۱۳۹۷